

271

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

Case 35

پرونده شماره ۳۵

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۳۵ - ۱۶۶

Award 166-35-3

English version
 Filed on 1 MARCH 85
 نسخه انگلیسی در تاریخ ۱ مارچ ۱۹۸۵
 ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
 دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED
 Date 7 MAR 1985 تاریخ
 ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۲
 No. 35 شماره

آر. جی. رینولدز توبا کوکا مپنی،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران، و

شرکت دخانیات ایران،

خواندگان.

DUPLICATE ORIGINAL
 نسخه برابر اصل

حکم نهائی
 FINAL AWARD

حاضران:

آقای سی. استیفن هرد، وکیل از جانب خواهان:

آقای پیتر جی. وان اوری

آقای رابرت اف. هرمن

آقای پیتر ام. شولر

آقای حمید صبی

آقای محمد کریم اشراق، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران از جانب خواندگان:

آقای نعمت الله مختاری، مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای حسن معادی، وکیل شرکت دخانیات

آقای مصطفی شیعه الاثمه

آقای حسین هنربخش

اعضای هیئت مدیره شرکت دخانیات

آقای منصور احمدی
نماینده فنی شرکت دخانیات
آقای کریم پرتوی
مشاور حقوقی شرکت دخانیات

سایر حاضران :

آقای آرتور رواین
آقای جان کروک
نمایندگان رابط ایالات متحده آمریکا
خانم جیمیسون سلبی
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

اول - تاریخچه پرونده

دیوان داوری در تاریخ ششم اوت ۱۹۸۴ (۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۳) حکمی جزئی به نفع خواهان آر.جی. رینولدز توبا کوکا مپنی علیه خواننده شرکت دخانیات ایران ("دخانیات")، به شماره ۳ - ۳۵ - ۱۴۵، صادر کرد. حکم مزبور به مبلغ ۳۶،۲۹۴،۶۶۷/۶۶ دلار و بابت فروش و تحویل محصولات دخانی و مقداری بهره و هزینه‌ها بود. دیوان، ضمن اشاره به تنها موضوع باقیمانده در پرونده اعلام کرد:

همانطور که قبلاً گفته شد، دیوان در خصوص این موضوع که آیا خواهان استحقاق دریافت بهره از تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ (اول آذر ماه ۱۳۵۸) تا ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۰) را نیز دارد یا خیر، صلاحیت خود را محفوظ نگاه می‌دارد. دیوان متذکر می‌گردد که صدور حکم پرداخت بهره به خواهان برای این مدت ممکن است به علت نوسان ارقام لیبور در سه ماهه مربوطه، مستلزم تجدیدنظر در متوسط نرخ لیبور مورد عمل در اینجا، باشد. دیوان داوری صلاحیت خود را جهت انجام چنین تجدیدنظرهایی در حکم نهائی، در صورت لزوم، محفوظ نگه میدارد.

دیوان طی دستور مورخ ۷ اوت ۱۹۸۴ (۱۶ مرداد ماه ۱۳۶۳) خود از طرفین دعوت کرد که "حداکثر تا تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۴ (۲۳ مهر ماه ۱۳۶۳) هرگونه لایحه توجیهی و مدرکی که می‌خواهند دیوان درباره موضوع بهره به شرح مذکور در حکم جزئی خود در پرونده حاضر (که دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را برای خود محفوظ نگاه داشته است) در نظر گیرد، به ثبت رسانند."

خواهان، آر.جی. رینولدز توبا کوکا مپنی، در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۴ (۲۳ مهر ماه ۱۳۶۳) لایحه‌ای تحت عنوان "لایحه موید ادعای مربوط به بهره متعلقه پیش از دادرسی" ثبت کرد.

درخواستهای خوانندگان جهت تمدید مهلت ثبت مدارکشان، طی دستور مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۸۴ (۲۶ مهر ماه ۱۳۶۳) و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴ (هفتم آذر ماه ۱۳۶۳)

دیوان مورد موافقت قرار گرفته و در دستور اخیر مهلت ثبت لوايح توجیهی خواندگان تا ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۳ آذرماه ۱۳۶۳) تمدید گردید.

خواندگان لایحه خود را در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۳ آذرماه ۱۳۶۳) نرسد دیوان به ثبت رسانند.

دیوان، ضمن دستور مورخ ۸ فوریه ۱۹۸۵ (۱۹ بهمن ماه ۱۳۶۳) خود به شرح زیر مقرر نمود:

با توجه به اینکه خواهان در مورد موضوع یاد شده (بهره)، لایحه‌ای در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۴ (۲۳ مهرماه ۱۳۶۳) به ثبت رساند، در حالیکه خوانده، شرکت دخانیات ایران، پس از دو بار تمدید مهلت، لایحه خود را در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۳ آذرماه ۱۳۶۳) ثبت نمود، و نیز با توجه به اینکه اظهاریه شرکت دخانیات ایران، در واقع حاوی استدلال و ادله و مدارک معارض با نکات مطروح در لایحه خواهان می‌باشد، و بنا بر این ممکنست خواهان بخواهد فرصتی جهت اظهار نظر در مورد لایحه شرکت دخانیات داشته باشد،

لذا، بدینوسیله دیوان داور از خواهان دعوت می‌نماید اینگونه نظرات را حداکثر تا تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۵ (۶ اسفندماه ۱۳۶۳) به ثبت رسانند.

خواهان در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۵ (دوم اسفندماه ۱۳۶۳) نظرات مجدد خود را ثبت نمود.

دوم - حکم قبلی

دیوان طی حکم جزئی خود در این پرونده چنین نتیجه‌گیری کرده: "شرکت دخانیات مبلغ ۳۶،۲۹۴،۶۶۷/۶۶ دلار با بت محصولات دخانی که بهای آنها پرداخت نشده، به رینولدز بدهکار است."

خواهان ادعا کرده بر مبنای شرایط مندرج در فرم قبول سفارش که در رابطه با کالاهای موضوع ادعا مورد استفاده واقع شده‌وی استحقاق دریافت بهره را دارد:

خریدار (شرکت دخانیات)، موافقت می‌کند که بهره‌ای به نرخ متوسط سه ماهه "لیبور" (نرخ بانکی بهره در لندن (London Interbank Offering Rate) به ترتیب مندرج در تایمز مالی لندن (Financial Times of London) با ضافه دو درصد در سال بابت کلیه وجوه و برای مدتی که پرداخت این قبیل وجوه بعد از مدت مورد توافق به تاخیر افتد، به فروشنده بپردازد. غفلت گهگاه یا مداوم فروشنده از مطالبه بهره به عنوان اعراض از آن تلقی نخواهد شد.

خواهان، از تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ (اول آذرماه ۱۳۵۸) یعنی تاریخی که بنا به اظهار خواهان، معلوم شد که دخانیات بدهی‌اش را نخواهد پرداخت، خواستار بهره‌گردیده است.

دخانیات منکر گردید که اصلاً "بهره‌ای با دید پرداخت شود و استدلال می‌کرد که شرط مورداستناد خواهان، بدلالی از جمله اینکه شرط مزبور هرگز در گذشته اجرا نشده، لازم الاجرا نبوده است.

دیوان داورى چنین نتیجه‌گیری کرده خواهان مستحق دریافت بهره ساده طبق شرط مندرج در قرارداد است و متذکر شده که "به نظر خواهان بهره با اید از تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ (اول آذرماه ۱۳۵۸) محاسبه شود زیرا که شرکت دخانیات از آن تاریخ با عدم پرداخت ۱۴/۱ میلیون دلار از مبلغ بدهی، در آن تاریخ از پرداخت بدهی سر باز زد".

دیوان همچنین خاطر نشان ساخت که :

تا آنجا که از مدارک موجود نزد دیوان پیداست، تا تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبانماه ۱۳۶۰)، یعنی هنگامی که دادخواست در دیوان ثبت شد، تقاضای برای پرداخت بهره از تاریخ مزبور به عمل نیامده بود. همینطور از مدارک موجود چنین برمی‌آید که طبق رسم معمول طرفین طی سالیان متمادی روابط تجاری شان، رینولدز از مطالبه بهره خودداری ورزیده و حتی با وجود قصور شرکت دخانیات در پرداخت بموقع بدهی، وجوه پرداختی را پذیرفته بود.

دیوان به این نتیجه رسید که این نحوه عمل احتمالی طرفین با یدبا نحوه انشاء خاص شرط مربوط به بهره که مقرر می‌دارد "چنانچه فروشنده گهگا هیا مداوما "بهره را مطالبه نکند، نباید به عنوان اعراض وی (از دریافت بهره) تلقی شود"، تواما "در نظر گرفته شود. معهذا، از آنجا که هنوز راجع به این موضوع اکثریت آراء در دیوان حاصل نشده بود، دیوان ضمن حفظ صلاحیت نسبت به آن بخش از دعا که مربوط به بهره پیش از دادخواست است، حکمی جزئی در مورد کلیه موضوعات دیگر پرونده صادر نمود.

سوم - اظهارات خواهان

خواهان تصدیق می‌کند که آ.ر.جی. رینولدز توبا کوکا مپنی ("آ.ر.جی.تی") از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۷۸... از مطالبه بهره از شرکت دخانیات "خودداری" ورزید. مع الوصف خواهان، می‌گوید که معهذا، آ.ر.جی.تی "درست هفت روز پس از نقض تعهد شرکت دخانیات نسبت به پرداخت (بدهیش) به آ.ر.جی.تی، رسماً "ضمن دعوائی که در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (هشتم آذرماه ۱۳۵۸) در یکی از دادگاههای ایالات متحده اقامه کرد، از دخانیات مطالبه بهره نمود".

خواهان اظهار می‌دارد که در هر یک از صورت حسابها، منجمله صورت حسابهای مربوط به کالاهای مورد بحث، به "شرایط کلی فروش" مندرج در (ظهر) فرم قبول سفارش اشاره شده است. خواهان استدلال می‌کند که آن بخش از شرط بهره که در فرم قبول سفارش مندرج و به شرح زیر است: "چنانچه فروشنده گهگا هیا مداوما "بهره را مطالبه نکند نباید به عنوان اعراض وی (از دریافت بهره) تلقی شود"، دست کم بدان معنی است که این عدم مطالبه بهره بصورت مداوم یا هر چند یکبار نافی..... حق مطالبه بهره در آتیه نیست. (تاکید اضافه شده است). خواهان اظهار می‌نماید که حکم جزئی دیوان با این نحوه تفسیر منطبق است زیرا که حکم صادره به بهره متعلقه به بعد از ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبانماه ۱۳۶۰)، یعنی تاریخ مطالبه بهره در دادخواست مربوط میشود. بالنتیجه، خواهان مدعی است که مطالبه بهره توسط وی در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۸ آذرماه ۱۳۵۸) در دادگاههای ایالات متحده، به روشنی وی را مستحق دریافت بهره مورد مطالبه می‌کند، و نیز اینکه "نحوه عمل طرفین پیش از نوامبر ۱۹۷۹، ربطی به استحقاق دریافت بهره پیش از دادخواست توسط آ.ر.جی.تی، ندارد".

علاوه بر آن خواهان اظهار می‌دارد که رویه دیوان در غالب موارد این بوده که حکم بهره‌را "از تاریخ بروز ادعا، یعنی تاریخ زیان خواهان یا تخلف یا نقض تعهد خوانده" صادر کند. به نظر خواهان چنین رویه‌ای خاصه در مورد حاضر، اقتضاء دارد زیرا شرکت دخانیات به مدت پنج سال رینولدز را از پول خود محروم و در نتیجه "از جوه بدون بهره رینولدز استفاده کرد...."

چهارم- اظهارات خوانندگان

خوانندگان، ضمن اشاره به اینکه بهره مندرج در حکم جزئی دیوان در این پرونده بر مبنای قرارداد بوده، استدلال می‌نمایند که بخش "شرایط کلی" فرم قبضه سفارش که حاوی شرط بهره است، به فرض که به شرکت دخانیات واصل شده باشد، بهر حال زودتر از ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۳ مهر ماه ۱۳۵۸) دریافت نگردیده، و بنا بر این شامل معاملات قبلی نشده، و "قرارداد رسمی" به شمار نمی‌رود، و صرف نظر از ایرادات دیگر، حسب ادعا، حداقل از یک لحاظ توسط خواهان نقض شده و لذا نمی‌تواند اکنون مورد استناد واقع شود.

خوانندگان ادعا می‌نمایند که "مسئله بهره... سالهای سال مطرح نشده"، و در واقع در سال ۱۹۷۹، خواهان نه تنها خواستار بهره نشد، بلکه کتبا "موافقت کرد که ۳ درصد تخفیف در اصل مبلغ مورد ادعا، قایل شود، و نیز اینکه تا مه مورخ هفتم مه ۱۹۷۹ (۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) خواهان مبنی بر اینکه تا مه آورده ممکن است خواستار بهره شود، مشروط بوده است. بعلاوه، خوانندگان اظهار می‌دارند که در دادخواست مطروحه خواهان در دادگاههای ایالات متحده "نه به شرایط کلی فروش اشاره شده و نه نسخه‌ای از آن به دادخواست منضم بوده است". بر این اساس، خوانندگان استدلال می‌نمایند که خواهان در عرض حال خود در دادگاه ایالات متحده، به طور اعم، ولی نه "به موجب شرایط کلی فروش"، مطالبه بهره نموده است.

خوانندگان، همچنین ادعا می‌کنند که دیوانهای داوری بین‌المللی اجباری به صدور حکم بهره نداشته، و "در تعدادی موارد"، از اینکار خودداری ورزیده‌اند، و در صورتی هم که حکم به پرداخت بهره داده‌اند، از تاریخ صدور حکم بوده است. بنا به اظهار خوانندگان، چنین رویه‌ای، در موردی مثل پرونده حاضر که "خواننده مجبور بوده مدتی بدلیل جریان داوری منتظر بماند و لذا امکان بروز وضعیت "فورس-ماژور" وجود داشته، به ویژه منطقی و بجاست."

پنجم - دلایل حکم

دیوان قبلا " ضمن حکم جزئی خود، رای داده است که خواهان استحقاق دارد، بر مبنای شرط مندرج در "شرایط کلی فروش" فرم پذیرش سفارش که در رابطه با کالاهای موضوع ادعا مورد استفاده بوده، بهره دریافت کند. ادله و مدارک دیگری که توسط خواهان تسلیم گردیده به روشنی ثابت می کند که این شرایط از مدت ها قبل یعنی حداقل در سال ۱۹۷۷ به شرکت دخانیات اعلام گردیده بود و در صورت حساب های گوناگون مربوط به سیگارهای مورد بحث به آن اشاره شده است. علاوه بر این، برخی از نسخ صورت حساب های تسلیمی به دیوان توسط شرکت - دخانیات حاوی اشاراتی به شرایط عمومی است که باز مبین آنست که شرکت - دخانیات شرایط عمومی مزبور را در طول معاملات و مراودات مورد بحث، دریافت کرده بوده است. در غیاب هرگونه مدرکی حاکی از اینکه طرفین صراحتا " در مورد تغییر یا لغو این شرایط توافق کرده باشند، باید شرایط مزبور را بر کلیه معاملات مورد بحث قابل اعمال دانست. فرم پذیرش یا دسده جزئی از قرارداد بین طرفین را تشکیل می داده است.

دیوان داوری، طی احکام دیگری، طبق نرخ بهره مورد توافق در قرارداد، حکم خسارت داده است. فی المثل، رجوع شود به: ویلیام ال پیرا ا سوشی ایتس ایران علیه جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳ - ۱ - ۱۱۶ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۸۴ (۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۲). بعلاوه، در بسیاری موارد، دیوان از تاریخ نقض تعهد، حکم به پرداخت بهره، صادر کرده است. فی المثل، رجوع شود به: همان ماخذ اینترنتی در نشنال اینکورپوریتد علیه نیروی هوایی ایران حکم شماره ۲ - ۲۲۰ - ۵۹ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مرداد ماه ۱۳۶۲).

یکی از انواع زیانهای تبعی که هر خواهانی ممکن است متحمل شود از دست رفتن (حق) استفاده از پولی است که حقا " در طول مدت بین بروز ادعا و صدور حکم به وی تعلق دارد. فی الواقع، در چنین مواردی خواننده با در اختیار داشتن حق استفاده از پول خواهان ظرف این مدت، به نایب دارا شده است. هر گاه خواهان من غیر حق از پولش محروم شود، ضابطه متداول اینست که بابت مبلغ ادعا حکم بهره داده شود.

در مورد حاضر، دیوان نظر داده است که شرکت دخیانیا حداقل از نوامبر ۱۹۷۹ توافق خود را مبنی بر پرداخت به شرکتهای تابعه خواهان نقض کرده است، لذا جهت جبران خساراتی که خواهان به علت نقض قرارداد توسط شرکت دخیانیا متحمل شده، باید بهره به عنوان یکی از عناصر خسارت در حکم منظور شود.

اینکه خواهان در گذشته در موافقی که خواننده در پرداخت تاخیر نموده، بهره ای مطالبه نکرده معمولاً حائز اهمیت نیست. در گذشته، پرداختها بالاخره انجام می شده اند. عدم مطالبه بهره در گذشته الزاماً "دال بر آن نیست که خواهان در صورت نقض قرارداد در آینده که متضمن خودداری کامل از پرداخت بدهی باشد، از حق خود نسبت به بهره اعراض نموده است. این امر، به ویژه، در مواردی مثل مورد حاضر، صادق است که طرفین صریحاً "موافقت کرده اند که "عدم مطالبه بهره توسط خواهان نباید به عنوان اعراض وی تلقی شود". هیچ دلیلی برای نادیده گرفتن چنین شرط صریحی که مورد توافق طرفین بوده، وجود ندارد.

علیهذا، بر اساس وضعیت پرونده حاضر، نمیتوان گفت که خواهان از حق خود نسبت به آن بخش از خساراتی که تابع ضابطه بهره است، صرف نظر نموده است. بعلاوه، در مه ۱۹۷۹، خواهان به خواننده اخطار کرد که چنانچه مبلغ درشت قابل پرداختی طبق جدول زمانی مربوطه، پرداخت نشود، ممکن است بهره مطالبه گردد. جدول زمانی پرداخت مورد بحث رعایت نشد و در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (آذرماه ۱۳۵۸) خواهان در دادگاههای ایالات متحده شروع به اقدام دعوی نموده و خواستار بهره شد. در دادگاههای فدرال ایالات متحده، الزامی به مشخص کردن مبنا یا طرز محاسبه بهره، نیست.

بدینسان، تا آنجا که خواهان وظیفه داشته که در مورد مطالبه بهره اخطار دهد، به وظیفه خود عمل کرده است.

ضمن یادآوری این نکته که دیوان صلاحیت خود در تجدیدنظر در نرخ کلی بهره قابل اعمال را محفوظ داشته، دیوان دآوری بر این نظر است که خواهان

استحقاق دارنده بهره ساده ای به نرخ ۱۵/۱۱ درصد، یعنی ۱۳/۱۱ درصد، که معادل متوسط نرخ سه ماهه "لیبور" بین سه ماهه آخر سال ۱۹۷۹ تا سه ماهه دوم ۱۹۸۴، به اضافه ۲ درصد است، نسبت به مبلغ ۳۶،۲۹۴،۶۶۷/۶۶ دلار از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۱) (۸ آذرماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بابت حکم جزئی ۳ - ۳۵ - ۱۴۵، به بانک امین داده، از شرکت دخانیات دریافت نماید. با توجه به اینکه خواهان قبلاً "بهره ساده ای به نرخ ۱۳/۵۴ درصد نسبت به مبلغ ۳۶،۲۹۴،۶۶۷/۶۶ دلار از تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبانماه ۱۳۶۰) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را بابت حکم جزئی ۳ - ۳۵ - ۱۴۵ به بانک امین صادر کرده، دریافت نموده است، لذا، دیوان مبلغ ۱۲،۴۱۲،۷۴۶/۵۱ دلار بابت مابقی بهره واجب الادا، حکم صادر می کند.

هر طرف هزینه های داوری خود را سا "تقبل خواهد کرد.

حکم نهائی

دیوان بدینوسیله به شرح زیر حکم صادر می کند:


خواننده، شرکت دخانیات ایران، متعهد است و باید مبلغ دوازده میلیون و چهارصد و دوازده هزار و هفتصد و چهل و شش دلار آمریکا و پنجاه و یک سنت (۱۲،۴۱۲،۷۴۶/۵۱ دلار آمریکا) به خواهان، آر.جی. رینولدز توبا کواکامپنی، بپردازد.

مبلغ مزبور از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر پرداخت خواهد شد.

بدینوسیله حکم نهائی حاضر، جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

(۱) تاریخ دقیق نقض قرارداد و اخطار مربوطه روشن نیست و بنا بر این دیوان بهره را از آخرین روز ماه نوامبر محاسبه می کند.

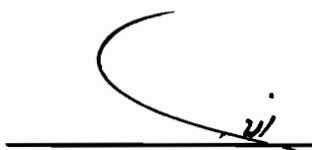
لاہہ، بہ تاریخ ۷ مارس ۱۹۸۵ برابر با ۱۶ اسفندماہ ۱۳۶۳



نیلس منگارد

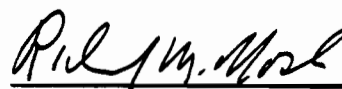
رئیس شعبہ سہ

بہ نام خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف



ریچارد ام. ماسک